

پول پربرکت

مردی را دیدند که لباس مناسبی نداشت. برای همین لباس جدید را به او بخشیدند.

با مقدار پولی که باقی مانده بود، برای خودشان لباس خریدند. می‌خواستند برگردند که زن خدمتکار را دیدند. از او پرسیدند: «چرا به خانه نرفتی؟!» زن جواب داد: «چون دیر شده و می‌ترسم از دستم ناراحت شده باشند».

حضرت محمد(ص) گفتند: «با هم برویم، من صحبت می‌کنم که شما را ببخشند». آن‌ها به خانه رفتند و وقتی پیامبر با صاحبخانه صحبت کرد، او زن خدمتکار را بخشید.

و به این ترتیب آن پول پربرکت باعث شد اشتباه یک نفر بخشیده شود و دو نفر هم لباس جدید داشته باشند.

روزی امام علی(ع) لباسی به قیمت ۱۲ درهم، برای پیامبر خریده بود. پیامبر وقتی لباس را دید و قیمت آن را پرسید، گفت: «اگر فروشنده لباس را پس می‌گیرد آن را پس بده تا لباس ارزان‌تری بخریم». حضرت علی(ع) ماجرا را به فروشنده گفت. فروشنده لباس را گرفت و ۱۲ درهم را به ایشان داد.

پیامبر و حضرت علی(ع) در بازار قدم می‌زدند که چشم‌شان به زن خدمتکاری افتاد که خیلی ناراحت بود. پیامبر از او پرسیدند: «چرا ناراحتی؟» او گفت: «پولی را که به من دادند تا از بازار خرید کنم، گم کردم». پیامبر چهار درهم به زن خدمتکار دادند تا چیزی که لازم دارد بخرد و به خانه برگردد. با چهار درهم لباسی را که دوست داشتند، برای خودشان خریدند. اما

